

برای زمین و فرهنگ

جنبش شورایی خودسامانده ترکمن‌های ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۸)

پیمان وهاب‌زاده



ترجمه‌ی محمد صفوی



شیرمحمد درخشنده توماج (۱۳۲۷-۲۹ بهمن ۱۳۵۸)، از رهبران جنبش ترکمن‌صحرا در میان مردم

ترکمن

اشاره

کتاب «برای زمین و فرهنگ: جنبش شورایی خودسامانده ترکمن‌های ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۸)» که در اکتبر ۲۰۲۴ توسط انتشارات [فرنوود](#) در کانادا منتشر شده، راوی فصل کم‌وبیش ناگفته‌ای از تاریخ فرودستان ایران است. این کتاب به بازخوانی جنبش شورایی دهقانان و فرودستان ترکمن صحرا در نخستین سال انقلاب اختصاص دارد. این جنبش که سرشار از ابتکارات و آزمون‌ها و خلاقیت‌های مردمی بود برای دوره‌ای حدود یک سال تکوین یافت، اوج گرفت و سرانجام به‌شدت سرکوب شد.

آن‌چه می‌خوانید بخشی از مقدمه‌ی کتاب با عنوان «علیه فراموشی» شامل گزیده‌ی کوتاهی از مباحث آن است و در ادامه نیز برگردان فارسی گفت‌وگوی تارنمای [جدلیه](#) با پیمان وهاب‌زاده را می‌خوانیم.

(۱)

گزیده‌ای از کتاب «برای زمین و فرهنگ»

در بهمن ۱۳۵۷ بذر یک جنبش اجتماعی و فرهنگی منحصربه‌فرد در ایران توسط دهقانان و فعالان ترکمن کاشته شد. ساکنان آباء و اجدادی دشت حاصلخیز موسوم به «ترکمن صحرا» در منطقه‌ای که از سواحل جنوب شرقی دریای خزر به سمت شمال شرقی امتداد دارد آغازگر این جنبش بودند. این جنبش خودگردان و شورایی، پیش از همه و عمدتاً از دهقانان ترکمن آغاز شد و گروه‌های مختلف اجتماعی شهرنشین ترکمن و غیرترکمن، کارگران، ماهیگیران، دانش‌آموزان دبیرستان‌ها، و نیز بخش‌های حرفه‌ای در لحظه‌ای تاریخی در طلوع «بهار آزادی» بدان پیوستند. این جنبش که عمری کوتاه داشت اما متحول‌کننده و تأثیرگذار بود در دوره‌ای پرچالش و مخاطره‌آمیز پس از سرنگونی سلطنت پهلوی شکل گرفت. دوره‌ای که امکانات فراوان و باور نکردنی برای ساختن ایرانی آباد و بهتر فراهم شده بود. از سوی دیگر، این جنبش در زمانی شکل گرفت که اسلام‌گرایان حکومتی و الیگارش‌ی در حال ظهورشان هنوز قدرت خود را

مستحکم نکرده بودند و نهادها و امکانات لازم برای سرکوب خشونت‌بار جنبش‌های اجتماعی متنوع و رنگارنگ هنوز فراهم نبود.

در دوره‌ای که این لحظه‌ی تاریخی شکل گرفت و توانست به بقای کوتاه مدت خود ادامه دهد، «ایران» دلالت‌گر (دال) شناورِ آزمون‌های اجتماعی خلاقانه و متصورانه‌ی بی‌نظیری بود: تلاش‌هایی جمعی در خودگردانی مشارکتی و ساماندهی اجتماعی نیمه‌مستقل (در مقابل نهاد‌های سلسله‌مراتبی، استعماری، و ساختارهای قدرت مسلط). در دوره‌ی انتقالی و گذار که یک دیکتاتوری فروپاشیده و دیکتاتوری دیگر هنوز مشت سنگین خود را فرود نیاورده بود، کارگران، معلمان، دانشجویان، کارمندان دولت، دهقانان، و اقلیت‌های ملی به اصیل‌ترین شکل خودگردانی مردمی، یعنی به برپایی شوراها، روی آوردند.

این کتاب یک «ضدتاریخ» را ارائه می‌دهد و راوی تجربه‌ی عظیم ترکمن‌های ایران است که در چهار دهه‌ی گذشته به فراموشی سپرده شده است. با تأمین بودجه و ترویج آثار گوناگون «پژوهشی» که در واقع تبلیغات حکومتی را منعکس می‌کنند، حکومت این جنبش [شورایی ترکمنان] را به‌عنوان یک اغتشاش قومی تحت تأثیر مارکسیست‌های حيله‌گر مورد تمسخر قرار می‌دهد[...]. و اغلب از این تلاش مردمی با کلام تحقیرآمیز («غائله» یا «فتنه») نام می‌برند. مانند هر تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک، نقطه‌ی شروع منابع مورد تأیید دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی حق‌به‌جانب بودن ذاتی اسلام‌گرایان و حکومت اسلامی است. به این ترتیب، تمام تلاش‌ها در راه تصور جمعی عدالت اجتماعی، بدیل‌های دموکراتیک، و مقاومت مشروع در برابر استثمار و قدرت خودکامه به نقصان‌های درونی این جنبش‌ها و توطئه‌ی خارجی نسبت داده می‌شود. این گونه تاریخ‌نگاری هم‌زمان رفتار سرکوبگرانه‌ی حکومت علیه جنبش‌های اجتماعی پس از انقلاب را هم توجیه می‌کند و هم کم‌رنگ جلوه می‌دهد.

از سوی دیگر نیز «چپ» ایران توجه تحلیلی و شایسته‌ای به جنبش بزرگ شورایی ترکمن صحرا نکرده است. تنها شمار اندک اما مهمی از خاطرات کادرهای فدایی و کنشگران ترکمن که در آن زمان در منطقه فعال بودند منتشر شده‌اند، اما حتی همین خاطرات هم عمدتاً بر دو درگیری مسلحانه در منطقه تمرکز می‌کنند، به‌طوری که

جزئیات این درگیری‌ها بر تمام کوشش‌های این جنبش در یک سال عمر خود سایه افکنده است. [...]

راویان برخی از این خاطرات، تاریخ را از پس‌به‌پیش روایت می‌کنند، یعنی روایت‌های مربوط به گذشته را با معیارها و مواضع امروزی خود درمی‌آمیزند. [...] این نمونه‌ای است از حافظه‌ای تاریخی که به نفع ارزش‌ها و مشروعیت سیاسی امروز خود را پاک می‌کند. این گونه خاطره‌نگاری‌ها تحت تأثیر این واقعیت هستند که جنبش شکست خورده است و هیچ کس نمی‌خواهد میراث‌دار شکست باشد. یک مورد استثنایی در روند نام‌برده مجموعه‌ای تازه منتشر شده از اسناد دو جلدی مربوط به این جنبش است که توسط پژوهشگر خستگی‌ناپذیر ترکمن آر‌نه (امین) گُلی گردآوری شده و در تبعید توسط «مرکز تحقیقات ترکمن» منتشر شده است. [...] این اسناد دو جلدی در مورد جنبش ترکمن‌ها (و منابع دیگر که توسط آقای گُلی گرد آمده‌اند)، و یک نمونه‌ی صادق از «کارِ دل» هستند، را می‌بایست به عنوان منبع اصلی حاوی اسناد و گزارش‌ها و مصاحبه‌ها و بیانیه‌های مطبوعاتی جنبش شورایی ترکمن در نظر گرفت. نهادهای ترکمن، روزنامه‌ها، بیانیه‌های مطبوعاتی دولتی، و تحلیل‌گران چپ و حتی گروه‌های اسلامی همگی این مجموعه‌ی اسناد را ارزشمند خواهند یافت. در کنار پژوهش این کتاب، این مجموعه از اسناد جایگاهی است علیه فراموشی، علیه کم‌ارزش جلوه دادن این جنبش مردمی به حاشیه رانده شده توسط جریان غالب در تاریخ‌نگاری ایران مدرن. این مجموعه‌ی اسناد به من و سایر پژوهشگران اجازه می‌دهند تا دیدگاهی ارزشمند از درون خود جنبش کسب کرده و دستاوردهایش و همچنین چگونگی دریافت جنبش از سوی جامعه و در رسانه‌های حکومتی آن زمان را بفهمیم. با این همه، متأسفانه درباره‌ی چالش‌ها و اختلاف‌های درون جنبش و نیز در مورد سیاست ادغام [assimilation] جنبش توسط جمهوری اسلامی منابع بسیار اندکی وجود دارد. از این رو، مطالعه‌ی از این نوع همواره این ریسک بالقوه را نیز دارد که جنبش را یک‌صدا و تک‌لختی جلوه دهد، امری که تلاش کرده‌ام در توانم و تا آنجا که منابع اجازه می‌دهند، با مراجعه‌ی تطبیقی به منابع گوناگون، از آن پرهیز کنم. در پایان اما، من هم بر اساس پژوهش‌م ناگزیر روایت خودم را از این جنبش برمی‌سازم، اما با تأکید

می‌گوییم که هیچکس نمی‌تواند در تاریخ‌نگاری حرف آخر را بزند. تاریخ همیشه به تفسیرهای گوناگون باز است، و به همین ترتیب است که زندگی تاریخ ادامه می‌یابد و [ارویداد تاریخی] الهام‌بخش نسل‌های آینده برای شرکت در پروژه‌های ناتمام نسل‌های گذشته می‌شود. امیدوارم این کتاب نیز اثری الهام‌بخش برای کوشندگان جوان در ایران باشد.

ماه‌های دگرگونی‌ساز پس از انقلاب ۱۳۵۷ فرصت تاریخی نادری را برای اقلیت ترکمن در ایران فراهم کردند تا رؤیای دیرینه‌ی خود را تحقق بخشند: اعمال اراده‌ی ملی به‌عنوان یک مردم، جنبشی با هدف خودبیانگری فرهنگی و احیای زبان و همچنین خودگردانی به شیوه‌ی ویژه‌ی خود که هم بر آداب و رسوم ترکمنی و هم بر روش‌های مدرن استوار و پذیرای مشارکت و همفکری باشد و دربرگیرنده‌ی همه‌ی مردم، و بالاتر از همه زندگی بهتری را به ارمغان آورد. به این ترتیب، جنبشی ظهور کرد که همزمان برای احیای فرهنگی و برای عدالت اجتماعی بود و [حل] مسئله‌ی زمین در قلب آن جا داشت. جنبش شورایی ترکمن صحرا نمودارگر تمام خواسته‌ها و ارزش‌هایی بود که حکومتی که در پی انقلاب شکل گرفت نمی‌توانست و هرگز نتوانست باشد. در تاریخ معاصر ایران این جنبش اجتماعی به دو دلیل برجسته بود: یکی به دلیل گستردگی و مشارکت مردمی در آن، و دوم به دلیل داشتن دیدگاه رادیکال، پیچیده، و دربرگیرنده‌ی آن.

همین دو ویژگی غفلت پژوهشگران نسبت به این جنبش را شگفت‌انگیزتر می‌کند. در واقع، پژوهشگران ایران مدرن آشکارا نقشی مهم در به فراموشی سپردن این جنبش ایفا کردند. در پُرخواننده‌ترین تاریخ‌نگاری‌های عمومی ایران مدرن نامی از این جنبش نیست [...] و در شمار انگشت‌شماری تنها اشاره‌ای گذرا به جنبش وجود دارد [...]. هرچند که این تاریخ‌نگاران مدافعان حقوق اقلیت‌ها هم باشند [...] جالب آن‌که کتابی که موضوعش تاریخ چپ ایران است، تنها اشاره‌ای کلی به جنبش ترکمن صحرا، آن‌هم در حد یک پاراگراف، می‌کند [...]. تنها استثنا در این روند مقاله‌ای است که در ماه‌های فعالیت جنبش در دوماه‌نامه‌ی **نیو لغت ریویو** [سال ۱۳۵۸] منتشر شد. منصفانه است بگوییم تداوم غفلت و بی‌اعتنایی تحقیقی هاله‌ای از سکوت را بر این جنبش و دیگر

جنبش‌های اجتماعی که در چارچوب معرفت‌شناسی (اغلب شرق‌شناسانه؛ اورینتالیستی) تاریخ‌نگاری جریان اصلی جای نمی‌گیرند، تحمیل کرده است. این گونه حذف‌ها پیامدهای آموزشی روشنی دارند. من می‌پرسم که چگونه چنین سکوت‌هایی دیدگاه‌های دانشجویان تاریخ ایران، و درک آنها از پویایی دگرگونی در کشوری که تا به امروز مردمش به سرپیچی و مقاومتِ خستگی‌ناپذیر شهرت دارند و سرکوب می‌شوند، را کدر خواهد کرد؟ ایران مدرن سرزمین جنبش‌های اجتماعی بی‌پایان برای عدالت اجتماعی و دموکراسی است. یکی از دلایل چنین حذف‌ها و نادیده گرفته شدن‌های جنبش‌های اجتماعی آنست که تاریخ‌نگاران سیاست ایران عمدتاً در یک نگاه معرفت‌شناختی خاص دچار سکون شده‌اند و نگاه و تمرکز علمی و پژوهشی آنها منحصرأ معطوف است بر منابع رسمی و نهادی قدرت سیاسی که حکومت مدرن آن را نمایندگی می‌کند. چنین پژوهش‌هایی شیفته‌ی بررسی قدرت حکومتی به‌عنوان نهادی با عاملیت امتیازمندان هستند و بر آن تمرکز می‌کنند. به همین سبب، مطالعه‌ی نیروی زاینده‌ی جنبش‌های اجتماعی همواره زیرنهیست تحقیق درباره‌ی نهادهای رسمی حکومت‌ها قرار گرفته است. البته آثار آصف بیات [...] دیدگاه‌های تازه و متفاوتی را نسبت به گرایش نام‌برده نشان می‌دهند. این کتاب در برابر وسوسه‌ی مسلط و ریشه‌دار [معرفت‌شناختی] که بر نهادهای رسمی و امتیازمند قدرت تمرکز می‌کند مقاومت کرده و از خوانندگان دعوت می‌کند تا به‌جایش بر مردم و کنشگران جنبش‌های اجتماعی که برسازندگان اصلی سیاست هستند و بر ابتکارات و خلاقیت آنها تمرکز کنند. مطالعه‌ی جنبش ترکمن صحرا تا پیش از این انجام نشده بود. جنبش شورایی ترکمن به مدت یک سال بر پای خود ایستاد تا سرانجام توسط حکومتی که از ابتدا فعالانه در پی نابودی این جنبش اجتماعی بود ناکام ماند. این آزمون اجتماعی از پس دو درگیری مسلحانه‌ی تحمیلی، تجاوز خصمانه‌ی بلندمدت به منطقه، و سپس یک روند طولانی ادغام اجباری [شورها] سرانجام ناکام ماند.

(۲)

گفت‌وگوی «جدلیه» با پیمان وهاب‌زاده

جدلیه: انگیزه‌ی شما برای نوشتن این کتاب چه بود؟

پاسخ سراسر این است: اصالت این جنبش خودسامانده مردمی، و با نگاه امروزی به این جنبش که در گذشته رخ داد، منش و کاراکتر «پیش‌بینانه‌ی» آن؛ این واقعیت که برخی از جنبش‌های اتونومیست (خودگردانانه‌ی) تاریخی-جهانی در زمانه‌ی ما که از طریق مشارکت مردمی پدید آمدند و تاکنون توانسته‌اند اتونومیسم خود را حفظ کنند، شباهت‌های چشمگیری به جنبش فراموش شده‌ی مردمی دهقانان ترکمن صحرا در سال ۱۳۵۷ دارند.

در روزهای پس از انقلاب ۱۳۵۷، جامعه‌ی ایران شاهد تجربه‌ها و آزمون‌های یگانه و کم‌همتایی در زمینه‌ی بسیج اجتماعی، همکاری و همیاری، و خودساماندهی مردمی و تلاش برای دموکراسی و عدالت اجتماعی بود. به‌راستی، سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ یک دوره‌ی پژوهش‌نشده و شایسته‌ی تحقیق و بازخوانی هستند. این دوره‌ای است که شاهد شکل‌گیری بسیاری از تجربیات خلاقانه‌ی اجتماعی و سیاسی بودیم و حکومت تازه به قدرت رسیده هنوز کم‌توان بود.

در این دوره‌ی ویژه است که جنبش مردمی و خودسامانده اقلیت ملی ترکمن‌ها در منطقه‌ی خزر و شمال شرقی ایران همچون یک مبارزه‌ی اجتماعی جذاب نمودار شد. دهقانان ترکمن زمین‌های کشاورزی خود را بازپس گرفتند و تقسیم کردند و البته برای فرهنگ ترکمن و خودگردانی ملی در چارچوب ایران فدرال مبارزه کردند. در این‌جا می‌خواهم اشاره کنم که بیشتر تلاش‌های مردمی و خودانگیخته در دوران پس از انقلاب و پیش از آنکه حکومت روحانیان شیعه قدرت خود را (در حدود سال ۱۳۶۱) تثبیت کنند، از دید تاریخ‌نگاران سیاسی ایران که عمدتاً نگاه اوربانتالیستی (شرق‌شناسانه) و حکومت‌بینانه دارند، نادیده گرفته شده است!

از این‌رو، به نظر می‌آید که دانش و اسناد ارزشمند در مورد ترکمن‌ها و دیگر جنبش‌های اجتماعی پس از انقلاب از میان رفته باشند. این کتاب تلاش می‌کند این جنبش فراموش شده را زنده و بازخوانی کند.

جدلیه: این کتاب به‌طور ویژه به چه موضوع‌ها و مسائلی می‌پردازد؟

جنبش شورایی دهقانان ترکمن پاسخی مستقیم به سلب مالکیت استعمارگرانه در زمان سلطنت پهلوی بود. این روند از دهه‌ی ۱۹۲۰ (۱۲۹۹ به بعد) آغاز شده بود. وضع قوانین جدید ثبت املاک به این انجامید که زمین به سرمایه بدل گردد (و «سرمایه‌داری زمین‌دار» ایجاد شود) که در نهایت کشور ایران را به‌عنوان عضو پیرامونی وارد مدار سرمایه‌داری جهانی - از مسیر صنعتی شدن با حمایت دلارهای نفتی، و به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی در دهه‌ی ۱۹۶۰ (دهه‌ی ۱۳۴۰) - می‌کرد.

در روند طولانی ثبت زمین‌های کشاورزی توسط حکومت، مردم ترکمن که برای سده‌ها روی زمین‌های آباء و اجدادی خود به کشاورزی و دامداری مشغول بودند، به‌طور نظام‌مندی از ابزارهای معیشتی خود محروم شدند. زمین‌های کشاورزی بزرگ متعلق به ترکمنان، با مساحت ۱۶۳۷۵ کیلومتر مربع (در مقایسه: بیش از نیمی از کشور بلژیک) در یکی از حاصلخیزترین فلات‌ها و زمین‌های کشاورزی در جغرافیای عمدتاً خشک ایران است. افزون بر این، ترکمن‌ها از سیاست فرهنگی تبعیض‌آمیز و «فارسی‌سازی» دوران پهلوی رنج می‌بردند، سیاستی که زبان‌ها و آداب و رسوم غیرفارسی را ممنوع کرده بود.

در ترکمن صحرا به‌طور سنتی زمین‌های کشاورزی عمدتاً در مالکیت روستا بود، و مالکیت خصوصی [به شکل مدرن آن] بر زمین‌های کشاورزی عموماً وجود نداشت. امور روستاها از طریق شورای ریش‌سفیدان معروف به «یاشولی» یا «آق سقال» اداره می‌شدند. زمین‌خواری و سلب مالکیت هر دو سنت دیرینه‌ی ترکمنان را نابود کرد، و مردم ترکمن مالکیت زمین‌های حاصلخیز خود را، که به نام خانواده‌ی سلطنتی، تیمسارهای عالی‌رتبه‌ی ارتش شاهنشاهی، و سرمایه‌دارهای شهرنشین غیرترکمن ثبت شده بود، از دست دادند.

چند روز پس از انقلاب ۱۳۵۷، به دلیل فرار مالکان از منطقه و از کشور، برخی از دهقانان ترکمن توانستند زمین‌های آباء و اجدادی خود را بازپس بگیرند. در ماه‌های پیش از انقلاب، روشنفکران ارگانیک ترکمن که در ارتباط با مردم محلی و بومی ترکمن بودند، انجمن‌های فرهنگی و سیاسی را پایه‌ریختند. بیشتر این روشنفکران از هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بودند. این سازمان در اصل یک گروه چریکی شهری مخفی و مارکسیست بود. این گروه در سال ۱۳۵۰ اعلام موجودیت کرده و در آن زمان [ماه‌های انقلابی ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷] مبارزه‌ی مسلحانه را کنار گذاشته بود و در پی آن بود که مانند یک حزب سیاسی در صحنه‌ی سیاسی ظاهر شود.

در همان برهه‌ی زمانی، روشنفکران بومی ترکمن به یاری دهقانان ترکمن صحرا شتافتند و طی چند هفته سیستم شورایی پیچیده‌ای ایجاد کردند که در سراسر ترکمن صحرا گسترش یافت. شوراهای مردمی خودسامانده در روستاها و شهرها شکل گرفتند و شوراهای قالیبافان، زنان، و ماهیگیران نیز با کمک دو سازمان اصلی ترکمن‌ها [«ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا» و «کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن»] سازماندهی شدند. جنبش از طریق شوراهای اقدامات جدی و تأثیرگذاری برای بهبود وضعیت زنان ترکمن در منطقه انجام داد. با این‌که نیروهای شبه‌نظامی وابسته به حکومت نوپا در منطقه حضور مستمر داشتند، اما دشت ترکمن به یک منطقه‌ی نیمه‌خودگردان تبدیل شده بود و دو نهاد شورایی اداره‌ی امور را خارج از کنترل قدرت مرکزی به گونه‌ای عملی (دوفاکتو) در دست داشتند.

ترکمن‌ها خواستار فدرالیسم در ایران و خودگردانی برای ترکمن‌ها بودند. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، محبوب‌ترین سازمان چپ‌گرای ایران و دومین حزب سیاسی پرهوادار غیرحکومتی بود. در آن زمان مشخص، این سازمان به حمایت از جنبش ترکمنان برخاست و او با استفاده از نشریات و نفوذش [ایده‌ها و آرمان‌ها و برنامه‌های جنبش شورایی ترکمن‌های ایرانی در سراسر کشور ترویج کرد.

ترکمن‌ها زمین‌ها را به‌عنوان اموال عمومی متعلق به کشاورزان پس گرفتند و آن را به شیوه‌ی جمعی از طریق شوراهای منتخب (نه شورای سالمندان و ریش‌سفیدان) مدیریت کردند. کنشگران میدانی به دهقانان در اجرای امور روزمره کمک می‌کردند.

جنبش شورایی ترکمن صحرا در اوج محبوبیت خود در پاییز ۱۳۵۷ عملاً بسیاری از امور مربوط به جمعیت نیم‌میلیونی تا هشتصد هزار نفری ساکنان منطقه را مدیریت می‌کرد. از طریق شوراها، یک ساختار سه‌لایه، پُرظرافت، و پیچیده‌ی مشارکتی و دموکراتیک برای تصمیم‌گیری‌های مردمی برپا شده بود.

حکومت نوپای اسلامی نمی‌توانست این تجربه‌ی نوین زندگی جمعی و دموکراتیک را تحمل کند. به همین سبب، در فروردین ۱۳۵۸ درگیری مسلحانه‌ای را بر ترکمن‌ها تحمیل کرد. اما با درایت و هوشیاری رهبران ترکمن این درگیری پس از چند روز پایان یافت. نکته‌ی قابل‌توجه این است که اسلام‌گرایانی که پیش از پیروزی انقلاب وعده‌ی عدالت اجتماعی را داده بودند، با مالکان و زمینداران علیه شوراها‌ی دهقانی ترکمن‌ها متحد شدند. از این زمان تا بهمن ۱۳۵۸، با وجود نامالیقات و دسیسه‌های عناصر چماقدار و مسلح وابسته به زمینداران و حکومت، عناصر مسلح حکومتی که پیوسته باعث ایجاد هرج‌ومرج و آشفتگی اوضاع و کشتن روستاییان می‌شدند، جنبش شورایی ترکمن صحرا گسترش یافت. در بهار و پاییز ۱۳۵۸، دهقانان ترکمن به شیوه‌ی جمعی و مشارکتی گندم و سبزیجات و دیگر محصولات کشاورزی را برداشت کردند.

در بهمن ۱۳۵۸، حکومت با زیرکی دومین درگیری مسلحانه را بر ترکمن‌ها تحمیل کرد و با مثنی سنگین و مسلحانه بر ترکمن صحرا فرود آمد. چهار رهبر ترکمن [شیرمحمد درخشنده توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی] را ربودند و به قتل رساندند و به این ترتیب جنبش خودسامانده مردم ترکمن را به شکست و نابودی کشاندند. شوراها‌ی دهقانی توسط حکومت تصاحب شدند و قبل از این‌که عملاً ناپدید شوند، حکومت شوراها‌ی خودگردان دهقانان ترکمن را به تدریج به نهادهای وابسته به نام «شورای اسلامی» بدل کرد. اراضی کشاورزی ترکمن‌ها توسط حکومت مصادره یا خصوصی شدند.

کتاب با تأمل بر برخی تجربه‌های جهانی شوراها - به ویژه شوراها‌ی کارگری - آغاز می‌شود. پس از آن به بررسی موضوع زمین می‌پردازد. کتاب مسئله‌ی زمین را با تشکیل حکومت مدرن در ایران و سیاست مدرن‌سازی استعماری مرتبط می‌کند، فرایندی که شامل ایجاد قوانین ثبت اسناد و املاک و اصلاحات ارضی شد. این روندها

تأثیرات منفی و ناسازگاری بر مردم ترکمن داشت. پس از شناخت این زمینه‌های تاریخی کتاب با بیان جزئیات به جنبش شورایی ترکمن صحرا، شکل‌گیری آن در سال ۱۳۵۷ و اوج شکوفایی باورنکردنی آن و سرانجام شکست جنبش توسط حکومت در سال ۱۳۵۸ می‌پردازد. سرانجام کتاب با ارائه‌ی ارتباط‌های مفهومی میان این جنبش و دیگر جنبش‌های خودسامانده امروزی پایان می‌یابد.

جدلیه: این کتاب چگونه به کارهای پیشین شما مربوط می‌شود و چگونه از کارهای پیشین فاصله می‌گیرد؟

یکی از حوزه‌های پژوهشی من تاریخ سیاسی و اندیشه‌ی چپ در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ است. پیش از برای زمین و فرهنگ، چهار کتاب و شماری مقاله‌ی پژوهشی در این زمینه نوشته‌ام و به روندهای چپ رزمجو در این دوره پرداخته‌ام. از این‌ها، سه کتاب درباره‌ی سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی چپ هستند، حال آن‌که کتاب دیگرم، هنر سرپیچی، به رابطه‌ی دیالکتیک میان هنر و مبارزات دهه‌های چهل و پنجاه خورشیدی پرداخته است. مطالعه و پژوهش در مورد شورای دهقانان ترکمن صحرا کتاب مناسبی برای مطالعه‌ی این دوره‌ی تاریخی و سیاسی چپ در دهه‌ی ۱۳۵۰ است. اما نسبت به آثار پیشینم، کتاب برای زمین و فرهنگ نقد جدی‌تری از مدرنیاسیون استعماری-سرمایه‌داری در ایران را ارائه می‌دهد. با «طبیعی‌زدایی» [عادی‌زدایی] از مفاهیم «مدرنیاسیون» و «توسعه»، و با تمرکز بر روند بلندمدت سلب مالکیت از ترکمن‌ها و محروم کردن آنان از سرزمین و فرهنگ‌شان، کتابم تلاش می‌کند تا قربانیان مدرنیته‌ی استعماری را از نو زنده کند.

با استفاده از ادبیات جنبش مردم ترکمن مفهوم «اجدادیت» (ancestrality) را ساخته‌ام. مردم ترکمن باور داشتند که حق آنها بر زمین‌هایشان یک حق «آباء و اجدادی» است و این حق مقدم بر قوانین ثبت املاک و اراضی حکومتی است. «اجدادیت» با مفهوم «بومیت» (indigeneity) به‌عنوان یک رابطه‌ی اخلاقی با سرزمین هم‌خانواده است. این کتاب «ارتباط» جنبش ترکمن صحرا با جنبش‌های امروزی مردمان بومی را نشان می‌دهد. با نگاهی به گذشته، جنبش ترکمن‌ها در ایران

جنبش زاپاتیست‌ها در مکزیک و جنبش خودگردان روژاوا در سوریه را «پیش‌بینی» می‌کند.

جدلیه: امیدوارید چه کسانی این کتاب را بخوانند و انتظار دارید این کتاب چه تأثیری داشته باشد؟

کتاب برای خوانندگان جهانی نوشته شده است. امیدم آنست که دانشجویان، پژوهشگران تاریخ معاصر ایران، و علاقمندان به جنبش‌های مردمی، دهقانی، و خودگردان مخاطبان این کتاب باشند. کتاب به شکل روایی نوشته شده است و تاریخ جنبش ترکمن صحرا حتی پیش از شکل‌گیری آن و از سال ۱۹۲۰ [۱۲۹۹] و قوانین جدید مالکیت] پیگیری می‌کند تا می‌رسد به سال ۱۳۵۷ و چندین جنبه‌ی مطالعه نشده از فضایی که بلافاصله پس از انقلاب ایجاد شد را آشکار می‌کند. امیدوارم کتاب مورد توجه آنانی که به این موضوع علاقمند هستند و آن تجربه [ترکمن صحرا] را سودمند می‌دانند، قرار گیرد. آرزویم آنست که خوانندگان به تنوع اندیشه‌ها و تلاش‌های جنبش چپ ایران بها دهند - تلاش‌هایی در راه دموکراتیزه‌سازی و برای عدالت اجتماعی که پس از تثبیت قدرت حکومتی از دست رفتند.

جدلیه: جنبش شوراهای ترکمن چه دستاورد و پیامی برای زمانه‌ی کنونی ما دارد؟

جنبش شورایی دهقانان ترکمن جنبش بی‌همتای خودانگیخته‌ی مردمی بود که از لحاظ اقتصادی و فرهنگی از توسعه‌ی استعماری-سرمایه‌داری صدمه دیده بودند. یک جنبش احیای فرهنگی بود که راه‌حل‌های عملی مانند مالکیت جمعی زمین و تبدیل زمین به ملک عمومی و مدیریت امور مردم از طریق شوراهای دموکراتیک و مشارکتی در یک سیستم نیمه‌خودگردان را ارائه داد. به داوری من، این دستاورد می‌تواند نقشه‌ی راهی برای انسان آینده باشد، راهی که ما را به فراسوی ساختار سه‌گانه‌ی سرکوب، یعنی حکومت مرکزی، سرمایه‌داری، و پدرسالاری هدایت می‌کند.

جدلیه: این روزها به چه پروژه‌های می‌پردازید.

این روزها در حال نوشتن کتابی هستم که مرا به عنوان یک نظریه‌پرداز اجتماعی به ریشه‌های [تربیت فکریم در] پدیدارشناسی باز می‌گرداند. سال‌هاست که می‌اندیشم چرا اندیشه‌ی انسان‌باوری جهانشمول (universal humanism) مداوماً در جهان - به ویژه در درگیری‌های خشونت‌بار و البته در تراژدی بی‌پایان در غزه توسط ماشین جنگی اسرائیل - ناکام مانده است. رویکردهای معمول (به‌درستی) سیاست‌های جهانی، یکجانبه‌گرایی (unilateralism)، و ناکامی در دفاع از حقوق بشر جهانشمول در درگیری‌ها و موقعیت‌های مانند آن را سرزنش می‌کنند. ولی از دیدگاه من این رویکردها معلول را به جای علت گرفته‌اند. در کتاب در دست نوشتنم به پدیدارشناسی مفاهیم انسان و انسان‌باوری (اومانیزم) می‌پردازم و به گونه‌ای انتقادی پیوند میان اومانیزم و خشونت را بررسی کنم. کتابی تئوریک و ضدشهودی (counter-intuitive) است. رویکردم در این کتاب پدیدارشناسانه است، اما از ادبیات تئوریک پسااستعماری که منتقد معرفت‌شناسی‌های استعماری و اروپامحورانه است نیز استفاده خواهم کرد.

معرفی نویسنده:

پیمان وهاب‌زاده استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه ویکتوریا در کانادا است. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک و معاصر و به‌ویژه فلسفه‌ی قاره‌ای و پدیدارشناسی، جنبش‌های اجتماعی، تبعید، خشونت، مطالعات ایرانی و ادبیات فارسی هستند. کتاب‌ها و مقاله‌هایش در مورد تاریخ چپ ایران پس از دهه‌ی ۱۳۴۰ و نظریه‌هایش در مورد جنبش‌های اجتماعی، خشونت و خشونت‌پرهیزی، و نقد حقوق بشر هستند. وی نویسنده‌ی ۸ کتاب پژوهشی و بیش از ۷۰ مقاله و نیز ویراستار ۲ کتاب است. از جمله‌ی آخرین کتاب‌هایش به انگلیسی [هنر سرپیچی: فرهنگ مخالفان و مقاومت مسلحانه در ایران دهه‌ی ۱۳۵۰ \(۲۰۲۲\)](#) و [خشونت و خشونت‌پرهیزی: گذرهای مفهومی در تقابل‌های شیخ‌گونه \(۲۰۱۹\)](#) هستند.

کتاب او‌دیسه‌ی چریکی (۲۰۱۰) (در مورد تاریخ و نظریه‌های چریک‌های فدایی خلق) اخیراً به فارسی برگردانده و به صورت مجازی و رایگان منتشر شده است. تازه‌ترین کتاب وی «بدیل خشونت‌پرهیز» است که به زبان اسپانیایی منتشر خواهد شد. وی همچنین نویسنده‌ی ۹ کتاب شعر و داستان کوتاه و خاطرات و نقد ادبی به فارسی است. نوشته‌ها و گفت‌وگوهای وی به انگلیسی، فارسی، اسپانیایی، فرانسه، کوردی، و آلمانی ترجمه شده‌اند.